

## نقش مهریه در تشکیل و پایداری خانواده با توجه به سیره ائمه اطهار (به خصوص امام رضا(ع))

مرضیه زکی زاده<sup>۱</sup>

### چکیده:

نهاد مهریه از مختصات نظام حقوقی اسلام است که تأسیس آن به منظور کمک به تثبیت و تحکیم پیوند زناشویی است، مهر به آن درجه از اهمیت نیست که نقش اساسی در تشکیل و پایداری خانواده ایفاء نماید و عدم یا کسر پرداخت آن موجب گسستن زندگی گردد، تعیین مهریه برای زن، نوعی عنایت ویژه به اوست. بنابراین مهر به عنوان یکی از امتیازاتی است که شریعت اسلام برای زن قائل شده و تشریح آن با در نظر گرفتن آیاتی از قرآن کریم و روایاتی از معصومین(ع) ثابت است. در این مقاله تلاش داریم ضمن بررسی مهریه، با بهره گیری از روایات و احادیثی از ائمه اطهار بخصوص امام رضا(ع) که بر وجوب پرداخت مهر تأکید و استحباب مهریه‌ی کم و سبک بودن میزان آن را توصیه نموده اند، اثبات نماییم که جنبه های تربیتی و ارزشی عقد ازدواج به مراتب بیش از مسائل مادی اند و نهاد ازدواج، نهاد مقدس و رمز بقای اجتماع از آسیب‌های گوناگون است و نیز مهریه گرچه حق قانونی و شرعی زن است اما نباید نگرشها به ازدواج صرفاً از زاویه مال باشد لذا ضمن این که مهریه حتماً باید مورد توجه و رضایت زوجین قرار گیرد، جنبه های دینی، تربیتی و آرمانی ازدواج نیز باید مورد توجه قرار گیرند. بنابراین در این نوشتار پس از تبیین موضوع در قسمت مقدمه و بیان مفهوم مهر و بررسی مهریه در قرآن کریم و اقسام مهریه، با استفاده از نظر فقها و سیره عملی ائمه اطهار، مسائلی چون وجوب پرداخت مهر و میزان آن مورد بررسی قرار گرفته ولی با توجه به اینکه بیشتر اهتمام ما در این مقاله بر بررسی سیره عملی امام رضا(ع) است، در بخش مجزایی دیدگاهها و مبانی فکری آن حضرت در خصوص مسائلی نظیر خانواده، وجوب پرداخت مهر و میزان آن مورد بررسی قرار گرفته است.

**واژگان کلیدی:** مهریه، صداق، خانواده، سیره، ائمه اطهار، امام رضا

## مقدمه

حقوق خانواده در اسلام، بر پایه‌ی استعدادها، فطریات و اخلاق پایه گذاری شده است. از نظر اسلام، نهاد خانواده یک بنیاد اخلاقی است و باید بر اساس مودت و رحمت پایه گذاری شود همانطور که قرآن نیز می‌فرماید: فلسفه ازدواج، تسکین و آرامش است و حقوق و تکالیف زوجین در قبال یکدیگر، باید به گونه‌ای باشد که سکون و آرامش، ثمره تشکیل آن گردد، نه نزاع و مشاجره.

بنابراین خانواده مجموعه و تشکیلی است که بر اساس مهر و محبت متقابل زوجین نسبت به یکدیگر شکل گرفته و این عامل باعث ثبات و ماندگاری آن می‌شود که در این میان مهریه در نظام حقوقی خانواده از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است، تعیین مهریه برای زن در ازدواج دائم و موقت امری تاییدی در اسلام بوده و خداوند در قرآن نیز بر پرداخت مهریه به زنان تاکید فرموده است. فلسفه وجودی مهر هر چه باشد به نظر می‌رسد که با باورها، نظام حقوقی و ساختار اجتماعی جامعه سازگاری دارد و اگر این نهاد به صورتی کنترل شده اجرا گردد، می‌تواند از بروز برخی از مشکلات در خانواده جلوگیری کند.

تاکید بر مهریه توسط برخی از آیات و روایات گر چه بیان کننده اهمیت مهر و حمایت ویژه از زنان است، اما به دلیل اجرای نا صحیح آن، مورد سوء استفاده افراد سودجو قرار گرفته است. از این رو، برخی از زنان و خانواده‌ها یگانه راه وصول به مقاصد مادی را تن دادن به ازدواج با تعیین مهریه‌های سنگین پنداشته‌اند، با این استدلال که مهریه‌ی سنگین رمز بقای زندگی مشترک و مانع از اقدام مردان بر طلاق زنان است. در حالی که این نگاه نادرست به مهریه، ضمن آنکه از قداست مهریه کاسته و تاسیس آن را زیر سوال برده است، موجب متزلزل شدن ازدواج‌ها و تحقق یافتن طلاق‌های زود هنگام شده است.

بنابراین مهریه در زمره حقوق خاصه زوجه به شمار می‌آید و نقش بسزایی در روابط زوجین ایفا می‌نماید و امروزه تعیین میزان زیاد مهر، بدون توجه به اوضاع و احوال و توانایی زوج، مایه بسیاری از مشکلات اجتماعی و خانوادگی شده و حتی دستاویزی برای سوء استفاده برخی زنان در جامعه گشته است و به یک مسأله اجتماعی تبدیل شده است. از این رو بررسی همه جانبه آن به منظور ریشه یابی مساله و ارائه راه حل‌های ممکن ضروری است بخصوص اینکه بررسی ما با توجه به سیره معصومین می‌باشد و این موضوع می‌تواند بسیار مفید واقع گردد چرا که با توجه و دقت نظر در سیره قولی و عملی ائمه اطهار می‌توان از بروز مشکلات اجتماعی که مهریه‌های سنگین و نابخردانه

آن را خلق می‌نماید پیشگیری نمود و الگوی عمل مناسبی را فراروی جامعه قرار داد تا از بروز آسیبهای اجتماعی در این خصوص در امان بود. لذا قبل از ورود به بحث اصلی ابتدائاً نمایی کلی از مفهوم مهریه را ارائه می‌دهیم.

### مفهوم مهر

مهر واژه ای عربی است و از لحاظ لغوی به معنای عوض به کار رفته است (البستانی، ۱۳۷۸، ص ۲۸). در کتب لغت مهر به معنای صداق به کار رفته و به معنای عطیه‌ای از جانب زوج به زوجه می‌باشد.

برای مهریه کلمات مترادف فراوانی ذکر شده است که از آن جمله صداق، نحله، فریضه، اجر، صدقه و... است.

در قرآن کریم واژه مهر به کار نرفته، بلکه مترادف‌های آن استعمال گردیده است. در فارسی به مهر کابین می‌گویند. (محقق داماد، ۱۳۸۲: ۲۲۳)

مهر یک وثیقه نزد زن نیست تا هر زمان که قصد جدایی داشت، از آن به عنوان اهرم فشاری علیه مرد استفاده کند. فلسفه‌ی وجودی آن، پیش کش و هدیه‌ای از طرف مرد به زن بوده است. مهر یک نهاد کاملاً اخلاقی است که منطبق با فطرت زن و مرد در نظر گرفته شده است. این نهاد اخلاقی که بر مبنای هدیه و هبه است، اگر به یک وثیقه تبدیل شد، به انحراف رفته است و اگر قانونگذار از این انحراف تبعیت کند و در صدد محکم تر کردن ضمانت اجرای این وثیقه باشد، او هم منحرف گشته است. قانون باید در جهت درست و صحیح گام بردارد و نباید پیرو نگرش افراد در مورد مسائل باشد. برای بازگشت به فلسفه‌ی اولیه‌ی مهر باید تلاش کرد که مانند صدر اسلام، قصد مرد، پرداخت مهر باشد و قصد زن نیز دریافت خود مهر به عنوان یک هدیه باشد. این گونه نباشد که زنان به تبعیت از آداب و رسوم غلط، روز به روز بر مقدار مهریه بیفزایند و قصد واقعی آن‌ها، استفاده از این مال در هنگام جدایی به عنوان یک اهرم فشار باشد. لذا پس از تبیین مفهوم مهر به عنوان مالی که به موجب عقد نکاح زوج مکلف به پرداخت آن به زوجه می‌باشد در ادامه جهت بررسی بیشتر این نهاد آنرا در قرآن نیز مورد بحث و بررسی قرار داده ایم تا نظر قرآن را در این زمینه جويا شویم.

### مهریه در قرآن کریم

قرآن کریم مهر را ابداع و اختراع نکرد، زیرا مهر به این صورت ابداع خلقت است، کاری که قرآن کرد این بود که مهر را به حالت فطری آن برگردانید. پرداختن قرآن کریم در برخی از آیات به موضوع مهر، نشان دهنده اهمیت آن در زندگی انسان است. قرآن کریم با لطافت و ظرافت بی نظیری می‌گوید: «وَأَتُوا النِّسَاءَ صَدَقَاتِهِنَّ نِحْلَةً فَإِنْ طِبَّنَ لَكُمْ عَنْ

شَيْءٍ مِنْهُ نَفْسًا فَكُلُوهُ هَنِيئًا مَرِيئًا» (نساء: ۴): و مهر زنان را (به طور کامل) به عنوان یک بدهی (یا یک عطیه) به آنها بپردازید، و اگر آنها با رضایت خاطر چیزی از آن را به شما ببخشند آن را حلال و گوارا مصرف کنید. یعنی کابین زنان را که به خود آنها تعلق دارد (نه به پدران یا برادران آنها) و عطیه و پیشکشی است از جانب شما به آنها، به خودشان بدهید. قرآن کریم در این جمله کوتاه به سه نکته اساسی اشاره کرده است. اولاً با نام «صدقه» به ضم دال یاد کرده است نه با نام مهر. صدقه از ماده صدق است و بدان جهت به مهر صداق یا صدقه گفته میشود که نشانه راستین بودن علاقه مرد است. علت اینکه صدقه (به فتح دال) را صدقه گفته‌اند این است که نشانه صدق ایمان است. دیگر اینکه با ملحق کردن ضمیر (هن) به این کلمه می‌خواهد بفرماید که مهریه به خود زن تعلق دارد نه پدر و مادر و مهر مزد بزرگ کردن و شیر دادن و نان دادن به او نیست. سوم اینکه با کلمه «نحله» کاملاً تصریح میکند که مهر هیچ‌گونه عنوانی جز عنوان تقدیمی و پیشکشی و عطیه و هدیه ندارد. یکی از مسلمات دین اسلام این است که مرد حقی به مال و کار زن ندارد، نه میتواند به او فرمان دهد که برای من فلان کار را بکن و نه اینکه اگر زن کاری کرد که به موجب آن کار، ثروتی به او تعلق گرفت، مرد حق داشته باشد که بدون رضایت زن در آن ثروت تصرف کند و از این جهت زن و مرد وضع مساوی دارند بر خلاف رسم معمول در اروپای مسیحی که تا اوایل قرن بیستم رواج داشت. از نظر اسلام زن شوهردار در معاملات و روابط حقوقی خود تحت قیمومت شوهر نیست و در انجام معاملات خود استقلال و آزادی کامل دارد.

اسلام در عین اینکه به زن چنین استقلال اقتصادی در مقابل شوهر داده و برای شوهر هیچ حقی در مال و کار و معاملات زن قرار نداده، آئین مهر را نیز منسوخ نکرده، که این نشان دهنده این است که مهر از نظر اسلام به این خاطر نیست که مرد بعداً از وجود زن بهره اقتصادی می‌برد و نیروی بدنی او را استثمار می‌کند.

پس معلوم می‌شود اسلام سیستم مهری مخصوص به خود دارد، این سیستم مهر و فلسفه اش را نباید با سایر سیستمهای مهر اشتباه کرد و ایراداتی که بر آن سیستمها وارد است بر این سیستم وارد دانست. در دنیای غرب هم که به نام تساوی حقوق انسانها حقوق خانوادگی را از صورت طبیعی خارج کرده‌اند و سعی می‌کنند علی‌رغم قانون طبیعت، زن و مرد را در وضع مشابهی قرار دهند و رلهای مشابهی در زندگی خانوادگی به عهده آنها بگذارند، آنجا که به اصطلاح پای عشق آزاد به میان می‌آید، قوانین قراردادی آنها را از مسیر طبیعت خارج نکرده است و مرد همان وظیفه طبیعی خود یعنی نیاز و طلب و مایه گذاشتن و پول خرج کردن را انجام می‌دهد و به زن هدیه

می دهد و متحمل مخارج او می شود.

تعبیر دیگر قرآن « صداق » است. صداق یعنی چیزی به علامت اینکه علاقه من علاقه راستین و صادقانه است، دروغین و شهوترانی نیست، برای همسری است، نه فریب دادن و از روی حقیقت است. بنابراین قرآن کریم مهر را نوعی نحلّه و هدیه می داند که نشانه راستین بودن علاقه مرد به زن می باشد و این مهر اقسامی دارد که در قسمت بعد آنها را به تفصیل بیان خواهیم نمود.

## اقسام مهر

### ۱. مهر المسمی

واژه مسمی که اسم مفعول از باب تفعیل است، به معنای «نام برده شده» می باشد. با توجه به این معنی، مهر المسمی به مهری گفته می شود که زن و شوهر قبل از انعقاد عقد نسبت به مقدار و میزان آن توافق نموده و آن را در عقد ذکر می کنند.

احادیثی وجود دارد که موید این نوع مهر می باشد و ما به یک نمونه بسنده می کنیم از جمله روایت کنانی از امام صادق (ع) است که امام فرمود: «هرگاه مرد قبل از دخول بمیرد برای زن تمام مهر است، اگر قبلاً مهر تعیین شده باشد.» (شیخ طوسی، ۱۳۶۵: ۸/۱۴۵؛ حر عاملی، ۱۴۱۰ الف: ۷۶)

همانطور که ملاحظه شد این حدیث اشاره به مهری دارد که قبلاً تعیین شده و منظور همان مهر المسمی است چرا که در این نوع مهر زن و شوهر در حین عقد مبلغ مهریه را تعیین می نمایند.

### ۲. مهر المثل

به مهری گفته می شود که در هنگام انعقاد عقد نکاح از آن نام برده نمی شود و میزان آن تعیین نمی گردد، در این صورت عقد نکاح باطل نمی شود، چرا که در صحت نکاح دایم ذکر مهر شرط نیست. اما زوج موظف به پرداخت مبلغی به عنوان مهر می باشد و برای تعیین مبلغ مورد نظر، زوجه را با دختران مثل او می سنجند و برای او مهر تعیین می کنند، مثل آنجایی که در زمان عقد مهری تعیین نمی کنند اما می توانند پس از عقد به چیزی به عنوان مهر تراضی کنند که اگر قبل از حصول این تراضی آمیزش صورت گیرد، زن مستحق مهری می شود که در بین زنان همردیف و هم سطح او متعارف باشد. به چنین مهری، مهر المثل گفته می شود. (قلعجی، ۴۰۳ ه.ق: ۴۴۶؛ فتح الله، ۱۴۱۵ ه.ق: ۴۱۳)

مرحوم صاحب جواهر، ملاک را در مهر المثل حال زن در شرف و زیبایی، و عادت زنانه و سن و بکارت، عقل و تمکن مالی، عفت و ادب و مخالف این صفات ملاک می

باشد. (نجفی، ۱۹۸۱: ۵۲/۳۱)

امام خمینی نیز ملاک را در مهرالمثل، حال زن و صفات او در سن و بکارت و نجابت و عفت و عقل و ادب و شرف و جمال و کمال می‌داند و بلکه هر آنچه که در عرف و عادت در بالا بردن مهر و کم شدن آن دخالت دارد ملاحظه می‌شود و خویشاوندان و عشیره زن و غیر آن نیز ملاحظه می‌شود. (امام خمینی، تحریر الوسیله، ۱۳۸۴: ۲/۲۹۸)

ولی مهمترین دلیل فقها، احادیثی است که به آن استناد جسته‌اند از جمله منصوربن حازم از امام صادق (ع) نقل می‌نماید: «در صورت نزدیکی و در صورت عدم تراضی بر مهر و تعیین آن، زن استحقاق هیچ مهری را ندارد، بلکه مستحق مهرالمثل می‌باشد.» (الحر العاملی، ۱۴۱۰: ۲۶۹)

### ۳. مهر السنه

به مقدار مهری گفته می‌شود که سنت پیامبر اکرم (ص) محسوب می‌شود و فقها آن را این گونه تعریف کرده‌اند: مهر السنه عبارت است از مهری که رسول خدا آن را سنت قرار داده و برای همه همسرانش در نظر گرفته و آن پانصد درهم بوده است. (محقق حلی، ۱۴۰۹: ۲/۵۴۵)

در این زمینه به روایت موثقه ابو بصیر از امام صادق (ع) احتجاج جسته‌اند که امام فرمودند: «مهرالسنه پانصد درهم است.» (حر عاملی، ۱۴۱۰ الف/۲۵)

### ۴. مهر المتعه

در نکاحی که دائم بوده و مهریه ذکر نشده یا شرط عدم مهر شده باشد، زوج به زوجه مطلقه خود که با او عمل زناشویی انجام نداده است مهریه‌ای پرداخت می‌کند و به این مهریه اصطلاحاً مهرالمتعه گفته می‌شود.

متعه در لغت به معنی بهره مند شدن و لذت بردن است. اصطلاح مهرالمتعه از آیه ۲۳۶ سوره بقره آمده که متن آن بدین شرح است:

«لَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ إِنْ طَلَقْتُمُ النِّسَاءَ مَا لَمْ تَمْسُوهُنَّ أَوْ تَفْرِضُوا لَهُنَّ فَرِيضَةً وَ مَتَّعُوهُنَّ عَلَى الْمَوْسِعِ قَدَرَهُ وَ عَلَى الْمُقْتَرِ قَدَرَهُ مَتَاعًا بِالْمَعْرُوفِ حَقًّا عَلَى الْمُحْسِنِينَ.» اگر زنان را قبل از نزدیکی و تعیین مهر به عللی طلاق دهید گناهی بر شما نیست و در این موقع آنها را با هدیه‌ای مناسب بهره مند سازید، آن کس که توانایی دارد به اندازه توانائیش و آن کس که تنگ دست است به اندازه خودش، هدیه‌ای شایسته و مناسب حال دهنده و گیرنده و این بر نیکوکاران الزامی است.

مستندات روایی در زمینه مهر المتعه بسیار است به عنوان نمونه روایت کنانی از

امام صادق (ع) است که حضرت فرمود: «هرگاه مرد زنش را قبل از نزدیکی طلاق دهد برای زن نصف مهر است و اگر مهر تعیین نشده باشد باید کالایی دهد، غنی به اندازه خود و فقیر به اندازه خود.» (حر عاملی، ۱۴۱۰: ۳۰۷)

پس از شرح روایات و احادیث تبیین کننده اقسام مهر در ادامه به بررسی سیره عملی ائمه اطهار در خصوص وجوب پرداخت مهر می‌پردازیم تا ببینیم که آیا مهر تکلیفی است بر عهده مرد و وجوب پرداخت آن با توجه به سیره امامان معصوم استنباط می‌شود و یا اینکه مهر هیچ ذمه‌ای بر عهده مرد نگذاشته و پرداخت یا عدم پرداخت آن یکسان محسوب می‌شود که برای پاسخ به این سؤالات در بخش بعد به تفصیل آنها را بیان خواهیم نمود.

### سیره ائمه اطهار در وجوب پرداخت مهریه

پرداخت مهر توسط زوج به زوجه بعد از عقد صحیح و یا دخول واجب است. وجوب پرداخت مهر توسط زوج به زوجه بر اساس قرآن، سنت و اجماع ثابت است. همانطور که در قرآن کریم در سوره نساء، آیه ۴ آن را بررسی نمودیم، قرآن مستقیم این حق را به زن تفویض نموده است. پرداخت مهر بر اساس سنت پیامبر (ص) نیز ثابت است، چنانچه پیامبر (ص) به مردی که می‌خواست ازدواج نماید فرمودند: جستجو کن هر چند یک حلقه آهنی هم باشد. با توجه به قرآن و سنت فقها نیز بر وجوب پرداخت مهر توسط زوجه اجماع نموده‌اند.

همچنین در روایات متعددی از ائمه اطهار به مهر اشاره شده و وجوب تأدیه آن مورد تأکید قرار گرفته و هرگونه ظلم و ستم بر زن در این خصوص ناروا دانسته شده است. به تصریح روایات، مهریه نوعی دین است و بدهکار مهریه بسان دیگر بدهکاران است و از جمله اینکه بدون کوتاهی در ادا، مؤاخذه نمی‌شود، روایات متعددی در این باره از معصومین علیه السلام وارد شده است که بر وجوب پرداخت مهر دلالت می‌نمایند و در زیر به نمونه‌هایی از آنها اشاره می‌شود از جمله این روایت:

امام صادق علیه السلام در بیان فلسفه وجوب مهریه فرمود: «همانا صدق بر مرد واجب شده است نه زن، با این که کار ایشان (استمتاع) یکی است، زیرا هنگامی که نیاز مرد برآورده شد، از کنار زن بر می‌خیزد و منتظر ارضای زن نمی‌ماند. به همین جهت صدق بر مرد واجب است نه زن.» (حر عاملی، ۱۴۱۰ الف، باب ۱۱ / حدیث ۱۰)

حضرت رسول اکرم (ص) نیز توصیه مؤکد فرموده‌اند مهریه زن باید به او رد شود و کسی که از پرداخت آن امتناع نماید به اندازه حق زن در روز قیامت از حسنات او بر می‌دارد و در پرونده همسرش قرار می‌دهند و چون کار نیک و ثوابی به اندازه ترمیم حق

زن باقی نماند به گناه پیمان شکنی او را به سوی آتش می‌برند زیرا عهد و پیمان مسئولیت دارد.

با ملاحظه مواردی که از سیره معصومین منقول است این نتیجه بدست می‌آید که مهریه حق زن است و مطابق برخی از این احادیث، مهریه نوعی دین است و بدهکار مهریه بسان دیگر بدهکاران است و شخصی که قصد پرداخت مهریه را ندارد، به منزله دزد و زناکار است.

با توجه به اینکه در این مقاله بیشتر توجه ما بر بررسی مهریه از دیدگاه ائمه اطهار بالاخص امام رضا(ع) است لذا در هر مبحث پس از مطالعه نظرات ائمه اطهار، مبانی فکری امام رضا را جهت تفقد و بررسی بیشتر به طور مجزا مورد بحث و بررسی قرار داده ایم تا نحوه نگرش آن حضرت را نسبت به حقوق زنان (حقوق خانوادگی) مورد بررسی قرار دهیم برای این منظور ابتدا به بررسی مبانی فکری امام رضا درخصوص خانواده می‌پردازیم و سپس دیدگاههای ایشان را در زمینه مهریه مورد بحث و بررسی قرار خواهیم داد.

### سیره عملی امام رضا (علیه السلام) در خانواده

امام رضا(ع) یکی از دوازده ستاره درخشان آسمان امامت و از عمده ترین پایه‌های دیانت و جوشان ترین چشمه‌های حکمت و یقین به شمار می‌رود که اسرار نبوت و ودایع رسالت و امامت بعد از پدر بزرگوارش امام کاظم(ع) به آن امام همام انتقال یافت و آن حضرت گنجور این اسرار و فیض بخش چنین آثاری بود. علی بن موسی الرضا(ع) سلاله نبوت و وارث اهل بیت در عصر خویش محسوب می‌گردید. ایشان در بزرگترین و عالیترین خانواده در اسلام رشد یافت زیرا در آن خانواده اخلاق اصیل و مخصوص گسترش پیدا می‌کرد و هیچ چیزی جز اعمال خوب انجام نمی‌گرفت و مرکز تقوی و فضیلت روحانی خاص بود که بهترین بشر و امام راستین و عادل را در اسلام تربیت کرد. (حر، ۱۳۸۳، ص ۵۰)

نظر به اینکه امام موسی کاظم پدر بزرگوار ایشان بیشتر زندگانی ایشان را در زندان هارون الرشید سپری نموده‌اند امام رضا به عنوان فرزند ارشد، مسئول نگهداری خانواده ایشان بودند و در این مدت اجازه ندادند کسی به آنها بی‌احترامی کند، وجود مقدس امام رضا(ع) به مسئله خانه و خانواده اهمیت فراوانی می‌دادند و در مورد تکریم آن سفارش‌های فراوانی نموده‌اند و مردم را به ساختن خانواده‌ای نمونه ترغیب کرده‌اند. ایشان در زمینه خانواده و آرامش حاکم بر آن سخنان گرانبهایی را بیان نموده‌اند همانطور که می‌فرمایند: «انَّ اللهَ جَعَلَ اللَّيْلَ سَكْنًا وَّ جَعَلَ النَّسَاءَ سَكْنًا وَّ مِنَ السَّنَةِ التَّرْوِيجُ بِاللَّيْلِ وَّ اطْعَامُ الطَّعَامِ». خداوند متعال شب را برای استراحت و آرامش قرار داده و زن را نیز مایه



آرامش مرد قرار داده است و از سنت پیامبر است ازدواج در شب و طعام دادن. (علامه طباطبایی، ۱۳۹۰: ۱۴۷)

هشتمین فروغ امامت در خصوص رضایت داشتن بر رزق حلال می‌فرماید: هر کس به روزی حلال اما کم خشنود باشد رنجش کمتر و خاندانش در آسایش و آرامش زندگی می‌کنند و خداوند عیوب دنیا و کیفیت رفع آنها را به او می‌آموزد و وی را با سلامتی در بهشت مستقر می‌سازد. (امام علی بن موسی الرضا، ۱۳۶۴: ۴۰۱)

اصولاً در فرهنگ اهل بیت(ع) یکی از نشانه‌های سعادت انسان این است که فرد بتواند به وضع خانواده خود رسیدگی کند، در این باره نیز هشتمین ستاره‌ی درخشان آسمان امامت چنین گوهر افشانی کرده اند: «يَتَّبَعِي لِلرَّجُلِ أَنْ يُوسِّعَ عَلَيَّ عِيَالِي لئَلَا يَتَمَنُو مَوْتَهُ»: شایسته است مرد بر اهل خانه (از لحاظ مخارج زندگی) سخت‌گیری نکند تا این که آنان مرگ او را از خداوند درخواست کنند. (النراقی، ۱۳۹۰: ۱۴/۲؛ القرشی، ۱۳۸۹: ۱/۵۵۱)

و اما در خصوص مناسبات اخلاقی و روابط بین اعضای خانواده حضرت امام رضا(ع) یک اصل کلی، جالب و دارای پیامی روان‌شناختی را مطرح می‌فرماید: «اجْعَلْ مُعَاشِرَتَكَ مَعَ الصَّغِيرِ وَالْكَبِيرِ»: برخورد خود را با افراد کوچک و بزرگ زیبا و نیکو گردان (علی بن موسی الرضا، ۱۳۶۴: ۴۰۰) که این اصل در حسن معاشرت و بهبودی آن تأثیری فراوان دارد، این سخن می‌تواند برگرفته از فرمایش رسول اکرم(ص) باشد که می‌فرماید: «خیرکم لاهله و انا خیرکم لاهلی»: بهترین شما کسی است که برای اهل خانه اش نیکو باشد و من نیکوترین شما برای خانواده ام هستم. (النراقی، ۱۳۹۰، ج ۲، ص ۱۳۹)

با بررسی موارد مذکور در سیره امام رضا(ع)، ملاحظه شد که امام توجه خاصی به خانواده داشتند و از نظر ایشان خوش رفتاری با خانواده، سخت‌گیرهای بی‌مورد نکردن و ایجاد رفاه نسبی و در حد توان از مصادیق نیکی به خانواده بود و این اهمیت از یکایک احادیث ایشان به وضوح مبرهن است، امام رضا(ع) برای حقوق زن نیز اهمیت زیادی قائل بودند و در خصوص مهریه که جزئی از حقوق زن به شمار می‌رود احادیثی از ایشان آمده که مؤید این مطلب است و در مبحث بعد به طور مفصل آن را مورد بحث و بررسی قرار خواهیم داد.

### سیره امام رضا(ع) در وجوب مهریه

مهریه در نظام حقوقی خانواده از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است و به عنوان یکی از حقوق مالی زن در جریان ازدواج به شمار می‌رود که پرداخت آن از جانب مرد ضروری است و در خصوص وجوب پرداخت مهر، امام رضا(ع) از پدران بزرگوارشان رسول

خدا(ص) روایت کرده اند: «ان الله تعالى غافرا كل ذنب الا من جدا مهرا او اغتصب اجيرا اجره او باع رجلا حرا»: خداوند متعال هر گناهی را مورد مغفرت و آمرزش قرار می‌دهد مگر گناه انکار مهر زن یا عقب انداختن دستمزد یا فروش انسان آزاد. (قمی، ۱۳۶۳: ۵۶۲/۲)

همانطور که ملاحظه نمودید در این روایت، امام مهریه را تا حدی واجب دانسته اند که ترک و انکار آن را از جانب مرد یک گناه نابخشودنی می‌دانند.

امام رضاع(ع) فرمود: ما خاندانی هستیم که هزینه نخستین حج، و مهر زنان، و کفمنان باید از پاکترین اموالمان باشد. (ابن بابویه، ۱۳۸۲: ۶۶۱)

روایت منقول دیگری نیز از امام رضاع(ع) آمده که شرح آن چنین است: «لو ان رجلا تزوج امره و جعل مهرها عشرين الفا و جعل لابیها عشرة الاف كان المهر جائزا و الذی سماه لابیها فاسدا»: اگر مردی زنی را با مهریه ۲۰ هزار تزویج کند و ۱۰ هزار آن را به مهر و ۱۰ هزار دیگر آن را به پدر زوجه اختصاص دهد، آنچه به عنوان مهر زوجه قرار داده شده جایز و صحیح و آنچه برای پدر زوجه اختصاص یافته جزئی از مهریه است و او استحقاق آن را ندارد و از این جهت باطل و فاسد است. (حر عاملی، ۱۴۱۰ الف: ۱۹؛ القرشی، ۱۳۸۹: ۵۴۹ / ۱، عطاردی قوچانی، ۱۳۶۵: ۲۶۰)

دقت نظر در روایت مذکور بیانگر این مطلب است که امام رضاع(ع) مهریه را حق مسلم خود زن می‌داند نه دیگران ولو اینکه آن شخص پدر زوجه باشد. بنابراین اگر پدر در ازدواج دخترش منافعش را مدنظر قرار دهد و مصلحت فرزندش را نادیده بگیرد و مقداری از مهریه ی او را به خودش اختصاص دهد مستحق آن میزان مهری که برای خودش تعیین نموده نخواهد بود.

همانطور که ملاحظه شد در تمامی روایات اخیر، امام رضاع(ع) مهریه را جزو حقوق مسلم و انکارناپذیر زن دانسته‌اند تا جایی که انکار آن را از جانب مرد جزو گناهان نابخشودنی می‌دانند. در خصوص میزان مهر نیز، روایاتی از امام رضاع(ع) آمده که ما در ابتدا دیدگاه ائمه اطهار را در این خصوص مورد بحث و بررسی قرار می‌دهیم و سپس در مبحث جداگانه‌ای به بررسی عقاید و نقطه نظرات امام رضاع(ع) خواهیم پرداخت.

### سیره عملی ائمه اطهار در میزان مهر

علمای اسلام دلیل مشروعیت مهر و لزوم پرداخت آن را کتاب و سنت می‌دانند همانطور که قطب راوندی آورده است: «الاصل فی الصداق کتاب الله و سنه رسوله صلی الله علیه و آله»: دلیل تشریح در مهر کتاب خداوند و سنت رسول اکرم(ص) می‌باشد. (راوندی، ۱۴۰۵: ق. ۱۰۱ / ۲)

با بررسی متون فقهی در می‌یابیم که فقهای شیعه برای میزان مهر از جهت اقل محدودیتی قایل نیستند و فقط باید چیزی به عنوان مهر قرار داده شود که مالیت داشته باشد بطوری که بتوان آن را ثمن برای مبیعی قرار داد. اما برخی از فقهای شیعه با استناد به روایاتی که مهرالسنه را معرفی کرده‌اند، حداکثر مجاز برای تعیین میزان مهر را مهرالسنه که همان پانصد درهم است قرار داده‌اند. (موسوی بغدادی، ۱۴۱۵: ۱۲۴)

ایشان در توجیه ادعای خود ضمن استناد به روایت مفضل از امام صادق (ع) که می‌گوید از حضرت در مورد مقدار مهریه ی زن که نباید از آن تجاوز گردد سؤال کردم. ایشان فرمودند: «سنت محمدی ۵۰۰ درهم است پس کسی که بیشتر از آن مهریه تعیین کند، به سنت پیامبر بازگشت داده می‌شود و ملزم به پرداخت بیش از ۵۰۰ درهم نیست» (حر عاملی ۱۴۱۰: ۱۱۳/۱۱۰)

آنها چنین استدلال می‌کنند چون سنت حضرت رسول بر این بوده است که مهریه‌ی زنان خود را ۵۰۰ درهم قرار دهد و با توجه به اینکه مهر هم تابع احکام شرع است، پس در صورتی که مهریه بیش از آنچه گفتیم تعیین شود، چون اجماعی بر اینکه مازاد جزء مهریه تلقی شود وجود ندارد و دلیل شرعی دیگری نیز در این خصوص نیست نفی زیاد از ۵۰۰ درهم واجب می‌شود. ولی برخلاف این نظر که اقلیتی از فقهای امامیه به آن قائل‌اند، مشهور فقهای شیعه بر این اعتقادند که برای مهر، حداکثری وجود ندارد و هر مقداری را که زوجین بر آن توافق کنند، اگر چه بسیار زیاد باشد، مشروعیت دارد. مهمترین مستند قرآنی فقها و علما برای اثبات محدود نبودن میزان مهر از نظر اکثر، اول قرآن آیه‌ی شریفه‌ی ۲۰ از سوره نساء است که می‌فرماید: «وَإِنْ أَرَدْتُمْ اسْتِبْدَالَ زَوْجٍ مَكَانَ زَوْجٍ وَآتَيْتُمْ إِخْدَاهُنَّ قِنطَارًا فَلَا تَأْخُذُوا مِنْهُ شَيْئًا أَتَأْخُذُونَ بُهْتَانًا وَإِثْمًا مُّبِينًا»: اگر خواستید همسری دیگر به جای همسر پیشین خود برگزینید و به یکی از آنان بار شتری طلا داده‌اید، پس چیزی از او باز پس گیرید؟

منظور از قنطار مال عظیم است و اینکه خداوند فرموده است که مهریه زنان را اگر بسیار زیاد هم باشد بپردازد، دلالت بر آن دارد که برای تعیین مهریه حد و مرزی وجود ندارد. چرا که اگر غیر از این بود خداوند پرداخت مهریه را تا حد معین واجب می‌فرمود و بدین صراحت مرد را از بازپس گیری مهریه‌ای که تعیین کرده صرفنظر از میزان آن منع نمی‌فرمود.

یکی دیگر از آیاتی که فقها آن را دلیل بر غیر مقدور بودن میزان مهر دانسته‌اند، آیه‌ی شریفه ۲۳۶ از سوره بقره می‌باشد که می‌فرماید: «اگر طلاقشان دادید پیش از آنکه دست بدانان رسانید و این در حالی است که فریضه‌ای (مهری) برای آنان تعیین

کرده‌اید، پس نیمی از آن چه که تعیین کرده اید (به آنان بپردازید)» آیات مذکور حکایت از وجوب پرداخت مهر و حرمت پس گرفتن آن چه که پرداخته شده است، دارد و می‌توان اذعان کرد که وقتی بازپس‌گیری مهر پرداختی حرام است نپرداختن آن به طریق اولی حرمت خواهد داشت.

دلیل دوم در اثبات محدود نبودن میزان مهر را روایات می‌دانند که در کتاب شریف وسائل الشیعه روایاتی موجود است که حکایت از عدم تحدید مهر دارد به عنوان نمونه روایت منقول از امام صادق در مورد میزان مهریه است: «ما تراضیا علیه من قلیل او کثیر فهو مهر» مهریه عبارت از آن چیزی است که بر آن تراضی شود کم باشد یا زیاد. (الترتات العربی، ۱۱۰/۱۳؛ حر عاملی، ۱۴۱۰: ۱۳/۲۳۸)

قائلین به این نظر، استدلال فقهای دسته‌ی اول را رد کرده و اظهار می‌دارند روایت استنادی ایشان در غایت ضعف سند بوده و به دلیل احکام عجیب موجود در آن مورد توجه هیچ فقهی قرار نگرفته است. (نجفی، ۱۴۱۴: ۳۱/۳۷؛ جبعی عاملی، ۱۴۱۲: ۴۸۹/۵)

علی‌رغم اعتقاد اکثریت فقها بر محدود نبودن مهر، گروهی به استناد احادیثی از معصومین قائل به کراهت مهر زیاد و استحباب مهر کم هستند. از جمله این احادیث به چند نمونه اشاره می‌نماییم:

امام باقر فرمودند: از برکت زن کمی مهر او و از شومی وی کثرت مهر اوست.  
حضرت رسول اکرم(ص) نیز فرمودند:

بهترین زنان امت من، خوب‌ترین و کم‌مهریه‌ترین آنان هستند (مجلسی، ۱۴۰۳: ۲۳۷/۲۵؛ حسینی، ۱۳۸۱: ۲۵۴) و با برکت‌ترین زنان، کم‌مهریه‌ترین آنان است. (السنن الکبری، ۲۳۵/۷)

حضرت علی علیه السلام چنین بیان نمودند: مهریه زنها را سنگین نگیرید که موجب کدورت و دشمنی گردد. (تمیمی مغربی، ۱۳۸۳: ۲/۲۲۱؛ حر عاملی، ۱۴۱۰: ۱۱/۷)

چنانچه ملاحظه نمودید در تمام احادیث فوق بر استحباب قلت مهر تاکید تا زنان با اتکاء به سنت حضرت رسول در تعیین مهریه سختگیری نکنند. اما در هر حال در فقه امامیه میزان مهریه با محدودیت همراه نیست و طرفین می‌توانند هر میزان مهری که بخواهند برای زن تعیین نمایند.

بنابراین تعیین میزانی از مهر در عقد نکاح که پرداخت آن در توان زوج نبوده و نخواهد بود ولو آن که با توافق زوجین باشد و به ویژه در مواردی که با نیت پرداخت نکردن همراه باشد، مخالفت عملی با اوامر و نواهی خداوند متعال در آیات مذکور محسوب

شده و مشروعیت نخواهد داشت. پس باید مهری را مقرر کرد که زوج توان پرداخت آن را داشته باشد، چرا که در غیر این صورت، تعیین مهری که همگان می‌دانند پرداخت آن در توان زوج نبوده، و شاید در آینده نیز نباشد، در عمل و نتیجه نیز مخالفت با اوامر الهی محسوب می‌شود. سنت نبوی نیز حکایت از مدخلیت توانایی زوج در مشروعیت تعیین میزان مهر دارد. از روایتی که از رسول خدا(ص) نقل شده است می‌توان توانایی پرداخت مهر را شرط تعیین میزان آن دانست و آن روایت بدین شرح است:

روایت دیگری از امام علی(ع) نقل شده است که در آن روایت آمده است که حضرت علی(ع) فرمودند: مردی نزد رسول خدا آمد و عرض کرد یا رسول الله می‌خواهم با این زن ازدواج کنم. حضرت فرمودند: چه میزان مهر او قرار می‌دهی؟ عرض کرد چیزی در اختیار ندارم. حضرت به انگشتی که در دست وی بود نگاه کرد و فرمود: آیا این انگشت از آن توست؟ عرض کرد بلی. حضرت فرمود: با آن زن در مقابل مهر قرار دادن این انگشتی ازدواج نما.

بر اساس مفاد این روایت می‌توان به این نتیجه دست یافت که دأب و شیوه‌ی رسول خدا(ص) در تعیین مهر، میزانی بود که زوج بالفعل توانایی پرداخت آن را داشته باشد، تا جایی که همین مسأله به این نتیجه منجر می‌شد که مهر سبکی را در نظر بگیرند. (تمیمی مغربی، ۱۳۸۳: ۲/۲۲۱)

لذا اگر سنت رسول خدا و دأب و شیوه‌ی ایشان به نسیه قرار دادن مهر تعلق می‌گرفت، مهری را در نظر می‌گرفت که زوج در آینده آن را بپردازد، اما همه توجه رسول گرامی اسلام به داشته‌ها و توانایی مالی زوج معطوف شده بود، از نظر عقلی نیز متعهد شدن و یا ملتزم کردن شخص به تعهدی که وی توانایی انجام آن را ندارد، پذیرفتنی نیست، چرا که این کار تکلیف به مالایطاق است.

بنابراین از مباحث اخیر چنین برداشت می‌شود که اصل در تعیین میزان مهر با استناد به آیات قرآن کریم و روایات معصومین(ع) توافق و تراضی زوجین است، چه میزان تعیین شده زیاد باشد یا کم. اما با عنایت و تدبر در آیات قرآنی و سنت نبوی(ص) این اصل تا زمانی قائم است که فرد، مهر را به صورت نقدی و غیر مؤجل بپردازد و یا پرداخت آن بالقوه در توان زوج باشد چرا که در غیر این صورت تعیین میزان مهری که زوج توانایی پرداخت آن را ندارد، مخالفت عملی با اوامر الهی مبنی بر وجوب و لزوم پرداخت مهر تلقی می‌شود و از نظر عقلی نیز متعهد شدن به تعهدی فراتر از توانایی فرد تکلیف به مالایطاق است و به اعتبار فقدان قصد و اراده‌ی جدی زوج بر عمل به تعهد و آگاهی زوجه بر این امر، نمی‌توان بر آن وجهی شرعی لحاظ کرد.

پس از بررسی میزان مهر از منظر ائمه اطهار در ادامه به بررسی دیدگاهها و نقطه نظرات امام رضا(ع) در این خصوص خواهیم پرداخت.

### سیره امام رضا(ع) در میزان مهر

در مباحث پیشین روایاتی از ائمه اطهار و امام رضا(ع) آمد که مهر را حق زن دانسته و بر وجوب پرداخت آن از جانب زوج تاکید شده بود. همچنین میزان مهر از منظر ائمه اطهار نیز مورد بحث و بررسی قرار گرفت، در این قسمت دیدگاه امام رضا را در خصوص میزان مهریه بررسی خواهیم نمود لذا به چند روایت در این زمینه اشاره می‌کنیم. امام رضا(ع) فرموده اند:

هنگام ازدواج تلاش کن که مهریه از مهر السنه تجاوز نکند و آن پانصد درهم است پس رسول خدا با همین میزان مهریه، دیگران را به نکاح در می‌آورد و خود نیز با همین مهر با زاناش ازدواج نمود (۵۰۰ درهم = ۲۶۲/۵ مثقال نقره) (مستدرک الوسائل، ۱۳۱۹: ۶۲/۱۵)

در باره این که میزان مهر برابر سنت پانصد درهم است در روایتی از امام رضا چنین آمده است: از حسین بن خالد مروی است که گفت از حضرت رضا(ع) سؤال کردم از مهر السنه که چرا مهر السنه پانصد درهم شد فرمود که حق تعالی بر خود لازم نمود که تکبیر نگوید مؤمنی صد تکبیر و الحمد لله نگوید صد مرتبه و سبحان الله نگوید صد مرتبه و لا اله الا الله نگوید صد مرتبه و صلوات بر محمد و آل محمد نفرستد صد مرتبه. پس از آن نگوید اللهم زوجنی من الحور العین مگر آنکه حق تعالی او را حور العین تزویج فرماید. پس از این جهت است که مهرهای زنان پانصد درهم قرار داده شد یعنی چون پانصد درهم مقابل است با پانصد ذکر مذکور، هر دره‌می مقابل ذکری و هر مؤمنی که از برادر دینی خود زنی خواستگار شود و پانصد درهم بخواهد مهر او قرار دهد و او را تزویج نکند پس او را اذیت و آزار نموده است و مستحق است که خدا او را حور العین تزویج نکند. (ابن بابویه قمی، ۱۳۷۲: ۸۴/۲؛ حسینی شیرازی، ۱۳۵۴: ۲۷۳؛ حسینی بهارنچی، ۱۳۸۲: ۱۹۲)

همانطور که ملاحظه نمودیم روایات اخیر توجیه زیبایی از میزان مهر بر حسب سنت است همان چیزی که حل مشکل ازدواج برای نیازمندان بسته به آن است. همان تنگدستانی که چون نمی‌توانند بار مهریه‌های سنگین را تحمل کنند، غالباً در زندگی عاقل و ناکام می‌مانند و از این حیث مورد ستم قرار می‌گیرند. این حدیث حدود مطلوب مهریه را با ایمان که مهمترین عنصر در وجود آدمی و رعایت آن در اینگونه مسائل ضروری است پیوند داده است. همچنین این حدیث عمل زشت کسی را که از او زنی با صدق ۵۰۰ درهم خواستگاری می‌شود و نمی‌پذیرد به عقوبت تعبیر کرده است که

عبارت از حقیر شمردن مؤمن و ترک مهربانی و خوش رفتاری با اوست و مؤمن باید در رفتار و کردار خویش با برادر مؤمن خود از این گونه صفات دوری جوید و همانطور که ملاحظه شد امام(ع) علل و مصالح وضع برخی از احکام مهم را به گونه ای هماهنگ با روح رسالت جاوید اسلامی که برای تأمین خیر و سعادت انسانی آمده با روشی دلپذیر و سود بخش بیان فرموده است. (فضل الله، ۱۳۹۰: ۲۵۱ و ۲۵۲)

با مطالعه و دقت نظر در احادیث مذکور از امام رضا(ع) در خصوص میزان مهر متوجه خواهیم شد که این امام همام نیز همانند سایر ائمه معصوم بر میزان مهریه سبک تأکید دارند و معتقدند میزان مهریه نباید از مهر السنه که پانصد درهم است تجاوز کند و دلیلشان هم این است که رسول خدا با همین میزان مهر، دیگران را به نکاح در می آورد و خود نیز با همین مهر با زنانش ازدواج نمود.

بنابراین مطالعه عقاید ائمه اطهار و امام رضا(ع) و نیز تحلیل دقیق موضوع نشان می دهد که مناسب ترین وجه از میان وجوه متعدد تبیین مهریه در الگوی اسلامی تعبیر هدیه و پیشکش است تأمل در مفاهیم و مصطلحات آن نظیر نحلّه، صداق، عطیه و کابین بر بلاعوض بودن آن دلالت صریح دارد، کیفیت تشریح و وصف آن در آیات و روایات، توصیه های مؤکد به سبک گرفتن آن و استقرار بنای شرع بر تسامح در محاسبه ارزش مادی و اقتصادی آن از طریق معرفی برخی معادله های معنوی، سفارش به بخشش رضایتمندانه آن از سوی زن به عنوان راهی جهت تحکیم هر چه بیشتر بنیان خانواده، موقعیت حقوقی آن، همچون اهمال در تعیین مقدار و ارجاع آن به تراضی طرفین، اختصاص دادن مالکیت آن به زن به رغم تأمین نیازهای اولیه و ثانویه او از طریق الزام مرد به نفقه، احساس تعلق و نیاز مشترک زوجین به برقراری این پیوند و بهره گیری نسبتاً مساوی آنها از آثار و پیامدهای معنوی آن و در نتیجه عدم وجود معادل مناسبی برای مهریه در جانب زن، تحلیل موقعیت مرد در جریان زناشویی و مسأله خواستگاری و تقاضامندی وی و... هدیه بودن این حق مالی را تأیید می کنند.

در پایان می توان از مجموع مطالب مذکور در این مقاله چنین استنباط نمود که خانواده مجموعه و تشکلی است که بر اساس مهر و محبت متقابل زوجین نسبت به یکدیگر شکل گرفته و این عامل باعث ثبات و ماندگاری آن می شود نه امور مالی مانند مهریه و امثال آن چرا که امور مالی در نکاح، امری فرعی بوده و هدف اصلی ازدواج زندگی مشترک همراه با مهر و محبت زوجین نسبت به یکدیگر است. بنابراین سزاوار نیست به این نهاد مقدس صرفاً از زاویه مالی نگریسته شود و بنیان خانواده بر این اساس استوار گردد چرا که مهریه به منظور ابراز اهمیت عقد ازدواج، اکرام و احترام به

شخصیت زن و اظهار حسن نیت و صداقت مرد برای ازدواج با او و زمینه‌ای برای دوام معاشرت و زندگی زناشویی است نه بهای زن. شأن و شخصیت زن بسیار بالاتر از آن است که با مال و مانند آن معامله شود. از این رو هیچ کس نمی‌تواند خود یا دیگری را در برابر مالی بفروشد، لذا مهر و تعیین آن نمی‌تواند ملاک صحت عقد قرار گیرد. مشکلات اقتصادی، مهریه‌های بالا، رسم و رسوم دست و پاگیر، توقعات نابجا، دخالت‌های بی مورد و امثال این‌ها، روند ازدواج را در کشور کند کرده است. مهریه‌های بالا هرگز موجب خوشبختی نیست بلکه سدی در راه خوشبختی است. مهریه باید به میزانی تعیین شود که قابل پرداخت باشد و مردان باید این مسأله را عملاً بپذیرند که این دین را باید به همسرانشان بپردازند. اما آنچه مهم است اینکه در تشکیل عقد، نباید احساسات و عواطف زوجین از مرز اعتدال و منطق بگذرد. به عبارت دیگر مرد با نظر داشت کرامت زن از حیث خانوادگی و اجتماعی مهریه را تقبل کند، زن نیز احساسات افراطی و دور از واقعیت را کنار گذاشته و به مسئله ازدواج صرفاً از زاویه مالی نظر نکند بلکه آن را یک نهاد مقدس و تربیتی ببیند. رسول خدا در ازدواج دختر بزرگوارش که سیده زنان تمام جهان نام گرفت با علی مهر و صداق او را مختصر و اندک قرار داد تا برای تمام امت سرمشق و اسوه باشد. کسانی که گمان برده‌اند مهر زیاد تضمین کننده بقای ازدواج و سعادت زن است، بسی بی‌راهه رفته‌اند. آنچه معجزه می‌کند صدق و صفای زن و شوهر در شروع و ادامه زندگی است.



## نتیجه‌گیری:

در مجموع می‌توان نکات ذیل را به عنوان جمع بندی نتایج، مطرح نمود:

۱. مهریه در نظام حقوقی خانواده از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است و به عنوان یکی از حقوق مالی زن در جریان ازدواج به شمار می‌رود که پرداخت آن از جانب مرد ضروری است.
۲. مهر به عنوان یکی از امتیازاتی است که شریعت اسلام برای زن قایل شده و تشریح آن با در نظر گرفتن آیاتی از قرآن کریم و روایاتی از معصومین ثابت است.
۳. مهریه تمهیدی برای استحکام بنیان خانواده و ارتقای محبوبیت زن در نزد مرد نیست بلکه هدیه و بخششی از جانب مرد به زن است.
۴. مهر به آن درجه از اهمیت نیست که نقش اساسی در تشکیل و پایداری خانواده ایفاء نماید و عدم یا کسر پرداخت آن موجب گسستن زندگی گردد، تعیین مهریه برای زن، نوعی عنایت ویژه به اوست.
۵. سیره قولی و عملی ائمه و بزرگان همواره بر استحباب مهریه‌ی کم و کراهت زیادی آن تاکید شده.
۶. سنت نبوی حکایت از مداخلیت توانایی زوج در مشروعیت تعیین میزان مهر دارد.
۷. مطابق احادیث و روایاتی از امام رضا(ع) مهریه جزو حقوق مسلم زن است تا جایی که ایشان انکار آن را از جانب مرد جزو گناهان نابخشودنی می‌دانند.
۸. امام رضا(ع) نیز بر میزان مهر سبک تأکید دارند. ایشان معتقدند میزان مهریه نباید از مهر السنه که پانصد درهم است تجاوز کند.

## فهرست منابع:

۱. معینی، محمد جواد و ترابی، احمد (۱۳۹۰). امام علی بن موسی الرضا منادی توحید و امامت، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۲. موسوی بغدادی، سید مرتضی (۱۴۱۵). الانتصار، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
۳. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق). بحار الأنوار، جلد ۲۹، بیروت: مؤسسه الوفاء.
۴. شریف القرشی، محمدباقر (۱۳۸۹). پژوهشی دقیق در زندگانی امام علی بن موسی الرضا، جلد ۱، مترجم: صالحی، سید محمد، جاسم رشید، تهران: دار الکتب الاسلامیه.
۵. خمینی، روح الله (۱۳۸۴). تحریر الوسیله، جلد ۲، تهران: انتشارات دارالعلوم.
۶. فضل الله، محمد جواد (۱۳۹۰). تحلیلی از زندگانی امام رضا، مترجم: عارف، سید محمد صادق، مشهد: بنیاد پژوهشهای اسلامی.
۷. طوسی، محمدبن حسن (شیخ طوسی) (۱۳۶۵). التهذیب الاحکام فی شرح شرایع الاسلام، جلد ۶ و ۷ و ۸، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۸. نراقی، محمد مهدی (۱۳۸۲). جامع السعادات، جلد ۲، قم: قائم آل محمد.
۹. نجفی، محمد حسن (۱۹۸۱). جواهر الکلام، جلد ۳۱، بیروت: دار احیاء التراث العربی، چاپ هفتم.
۱۰. محقق داماد، سید مصطفی (۱۳۸۲). حقوق خانواده، تهران: مرکز نشر اسلامی، چاپ دهم.
۱۱. تمیمی مغربی، نعمان بن محمد (۱۳۸۳). دعائم الاسلام، جلد ۲، مصر: دارالمعارف، چاپ دوم.
۱۲. زین الدین بن علی، جبعی عاملی، (شهید ثانی) (۱۴۱۲). روضه البهیة فی شرح المعه الدمشقیه، جلد ۵، قم: انتشارات داوری، چاپ اول.
۱۳. قمی، عباس (۱۳۸۴). سفینه البحار و مدینه الحکم و الاثار، جلد ۲، تهران: بنیاد پژوهشهای اسلامی.
۱۴. طباطبایی، سید محمد حسین (۱۳۹۰). سنن النبی، تهران: دارالفکر، چاپ اول.
۱۵. حلی، ابوالقاسم نجم الدین جعفر بن حسن (محقق حلی) (۱۴۰۹). شرایع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام، تهران: انتشارات استقلال چاپ دوم.
۱۶. حسینی بهارنچی، سیدمحمد (۱۳۸۲ش). شهید خراسان و پناه شیعیان، بی جا، ناشر: مؤلف، چاپ اول.
۱۷. منسوب به حضرت علی بن موسی الرضا (۱۳۶۴). صحیفه الرضا، به روایت احمد بن عامر طائی بصری، تحقیق: محمد مهدی نجفی، کنگره جهانی امام رضا، چاپ دوم.
۱۸. شیخ صدوق، ابن بابویه قمی، ابو جعفر محمد بن علی بن حسین (۱۳۷۲). عیون

- اخبار الرضا، جلد ۲، تحقیق: مؤسسه الامام الخمينی مشهد: کنگره جهانی امام رضا.  
 ۱۹. راوندی، قطب الدين (۱۴۰۵ه.ق.). فقه القرآن، جلد ۲، قم: مکتبه آیت الله العظمی  
 النجفی المرعشی، چاپ دوم.  
 ۲۰. نوری، شیخ میرزا حسین (محدث نوری)، (۱۳۱۹) مستدرک الوسائل جلد ۱۵، قم:  
 مؤسسه آل البيت، چاپ اول.  
 ۲۱. عطاردی قوچانی، عزیزالله (۱۳۶۵). مسند الامام الرضا، مشهد: کنگره جهانی امام رضا.  
 ۲۲. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۷۲). معانی الأخبار، مترجم: محمدی، قم: مرکز  
 اطلاعات و مدارک اسلامی.  
 ۲۳. فتح الله، احمد (۱۴۱۵). معجم الفاظ الفقه الجعفری، بی تا، بی جا، چاپ اول.  
 ۲۴. قلجی، محمد (۱۴۰۳). معجم لغه الفقهاء، دار الفاس للطبعه والنشر و التوضیح، چاپ  
 دوم.  
 ۲۵. تلخیص سید حمید حسینی (۱۳۸۱). منتخب میزان الحکمه، مترجم: شیخی، حمید  
 رضا، قم: دار الحدیث، چاپ اول.  
 ۲۶. حر عاملی، محمد بن الحسن (۱۴۱۰). وسائل الشیعه، جلد ۷ و ۱۳ و ۱۵ و ۲۱،  
 بیروت: داراحیاء.